

اثربخشی زوج‌درمانی کوتاه‌مدت خودنظم‌بخشی بر افزایش رضایت
زناشویی مراجعان درمانگاه فرهنگیان شهرستان بابلسر

**"The Impact "Self Regulation Brief Couple Therapy"
Increase Couple's Satisfaction in The Clients of
Babolsar Farhangian Clinic**

K. Janbaz Fereydoni, M. A. ✉

M. Tabrizi, Ph.D.

Sh. Navabi Nejad, Ph.D.

کبری جانباز فریدونی ✉

کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی

دکتر مصطفی تبریزی

استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر شکوه نوایی‌نژاد

استاد گروه مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران

Abstract

The research is based on selfregulation therapy and designed to improve the problems of marital relation-nship. The central concept of self-regulation Couple therapy is the par-tner, not therapists, producelong-term change in couple relationships.

The main purpose of this study was to investigate the effectiveness of self-regulation brief couple therapy on enhancing marital satisfaction. The population of the study were all the couples referred to Babolsar Farhangian Clinic.

Sample includes 20 couples who referred to clinic during spring and summer of 2007. The results of this study using two-way variance analysis showed that self-regulation brief couple therapy increases the couple's marital satisfaction, adjustment, communication, conflict resolution, leisure activities, sexual relationship, family and friends relations. In addition, the effectiveness of treatment for men and women was the same. It is concluded that this method might be an efficient way to improve marital satisfaction and couple therapists are recommended to consider the role self-regulation of couples as an important factor in management and solving the marital conflict to increase marital satisfaction.

KeyWords: Self-regulation, Marital Satisfaction.

چکیده:

این پژوهش با بهره‌گیری از مبانی نظری تئوری خودنظم‌بخشی برای حل مشکلات و ارتقاء رضایت زناشویی طراحی شده است. محتوای اساسی زوج‌درمانی خودنظم‌بخشی این است که خود زوجین (نه درمانگر) تغییرات طولانی مدتی را در رابطه‌شان ایجاد کنند. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر زوج‌درمانی خودنظم‌بخشی کوتاه مدت بر افزایش رضایت زناشویی است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه زوجین مراجعه‌کننده به درمانگاه شهر بابلسر بوده و نمونه شامل ۲۰ زوج که در بهار و تابستان سال ۱۳۸۶ جهت دریافت کمک‌های تخصصی در زمینه مشاوره زناشویی مراجعه کرده بودند که به روش تصادفی ساده در گروه‌های آزمایش (۱۰ زوج) و کنترل (۱۰ زوج) جایگزین شدند. سپس آزمون رضایت زناشویی اتریچ بر روی آن‌ها اجرا شد. یافته‌های این تحقیق با استفاده از آزمون تحلیل واریانس دو طرفه (مانوا) نشان داد که زوج‌درمانی کوتاه‌مدت خودنظم‌بخشی بر افزایش رضایت زناشویی، سازگاری با شخصیت همسر، ارتباط، حل تعارض، رضایت‌مندی از اوقات فراغت، بهبود رابطه جنسی و رابطه با خویشاوندان و دوستان مؤثر می‌باشد، اما جنسیت آزمودنی‌ها تأثیری بر میزان اثربخشی درمان خودنظم‌بخشی ندارد. نتیجه‌گیری نهایی این است که شیوه فوق تأثیر به‌سزائی در افزایش رضایت زناشویی زوجین دارد و زوج‌درمانگران می‌توانند نقش خودنظم‌بخشی را در حل تعارضات و افزایش رضایت زناشویی به‌عنوان عامل مهم در نظر بگیرند.

کلیدواژه‌ها: خودنظم‌بخشی، رضایت زناشویی، زوج‌درمانی

✉ Corresponding author: Private Practice, Babolsar, Iran
Tel: +98112-5250184
Fax: +98112-5652535
Email: dosti_1386@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: بابلسر - چهار راه شریعی - درمانگاه فرهنگیان بابلسر
تلفن: ۰۱۱۲-۵۲۵۰۱۸۴ دورنما: ۰۱۱۲-۵۶۵۲۵۳۵
پست الکترونیک: email: dosti_1386@yahoo.com

اثربخشی آموزش مدیریت خشم بر ارتباط مادران با فرزندان کم توان ذهنی و دیرآموز

Efficacy of Anger Management Training on Relationship Between Mothers and Their Mildly Mentally Retarded and Slow Learner Children

M. Shokohi Yekta, Ph.D. ✉

دکتر محسن شکوهی یکتا ✉

استادیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه تهران

N. Zamani, M. A.

نیره زمانی

کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

Abstract

The present research is designed to examine the efficacy of anger management training on relationship of mothers and their mildly mentally retarded and slow learner children. The design of this study is quasiexperimental with pretest-posttest control group.

This study was conducted on 46 mothers who were assigned equally into experimental and control groups. Data were collected utilizing two questionnaires: Anger Evaluation Scale and Parent-Child Relationship Inventory. The anger management training program, based on cognitive-behavioral approach, was implemented on experimental group in seven sessions, 2 hours each. The findings based on the Analysis of Covariance revealed that anger management training had the following effects: the intensity of anger in anger-eliciting situations decreased, the use of anger control strategies increased, and parent-child relationship improved. Finally, the implications of the study, limitations and suggestions for future research are discussed.

KeyWords: parents training; anger control; parent-child relationship; educable mentally retarded; slow learner.

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش مدیریت خشم بر ارتباط مادران با فرزندان کم‌توان ذهنی و دیرآموز صورت گرفته است. روش تحقیق شبه تجربی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری شامل مادرانی است که فرزندان آنان در دو مدرسه غیرانتفاعی ویژه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دیرآموز به تحصیل اشتغال دارند.

نمونه آماری شامل ۴۶ مادر بوده که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و پس از همگن شدن براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در دو گروه آزمایشی و گواه جایگزین شدند. ابزار اندازه‌گیری، مقیاس محقق ساخته ارزیابی خشم و پرسشنامه ارتباط والد - کودک است. گروه آزمایشی در هفت جلسه آموزش مدیریت خشم مبتنی بر رویکرد شناختی - رفتاری شرکت کردند. یافته‌های تحقیق با استفاده از روش تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصله نشان داد که کاربرد تکنیک‌های مدیریت خشم به کاهش خشم مادران و بهبود ارتباط آن‌ها با فرزندان منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دانش‌افزایی والدین، کنترل خشم، تعامل مادر و فرزند، عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر، دیرآموز.

✉Corresponding author: College of Psychology and Educational Science University of Tehran, Ale Ahmad Avenue, Tehran, Iran.
Tel:+9821-88240161-70
Fax:+9821-88254734
Email: msyekta@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - بزرگراه شهید چمران - خیابان جلال - آل احمد - دانشگاه تهران - دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی - گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی
تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۴۰۱۶۱-۷۰ دورنما: ۰۲۱-۸۸۲۵۴۷۳۴
پست الکترونیکی: email: msyekta@yahoo.com

تعیین رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد

صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان

Determining Relationships Between Early Maladaptive Schemas and Marital Intimacy Among Mobarakeh Steel Complex Personnel

M. Zolfaghari, M. A. ✉

M. Fatehi Zadeh, Ph.D.

M. R. Abedi, Ph.D.

مریم ذوالفقاری ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر مریم فاتحی‌زاده

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر محمدرضا عابدی

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between Early Maladaptive Schema and Marital Intimacy among couples. In this study, Early Maladaptive Schema domains were predictive variables, and the dimensions of Marital Intimacy were criterion ones.

A sample of 35 married personnel from Mobarakeh Steel Complex and their spouses were selected via multiphase random sampling.

The couples completed Young Schema Questionnaire (YSQ) and Marital Intimacy Questionnaire.

Correlation, enter and stepwise regression analyses have been used to analyzing data.

Results showed that there was a negative significant correlation between Early Maladaptive Schemas and dimensions of Marital Intimacy. It means that the more Maladaptive Schemas, the less Marital Intimacy. The multiple regression analyses showed that "Impaired Limits" was the best predictor of Marital Intimacy except the subscale of Sexual Intimacy. Also significant differences were not observed among Early Maladaptive Schema domains and dimensions of Marital Intimacy between men and women and only Physical Intimacy of the men was significantly higher than the women.

This study showed that the schema related to concern the Impaired Limits including Entitlement/Grandiosity and Insufficient Self-Control/Self-discipline play the most crucial role in the explanation of the lack of Marital Intimacy.

KeyWord: Early Maladaptive Schema, Marital intimacy, Couples

چکیده:

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و صمیمیت زناشویی در زوجین عادی است. در این پژوهش حوزه‌های طرحواره‌های اولیه متغیرهای پیش‌بین و ابعاد صمیمیت زناشویی متغیرهای ملاک بودند.

۷۰ نفر (۳۵ زوج) از بین کارکنان شرکت فولاد مبارکه اصفهان و همسرانشان به صورت نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. نوع پژوهش توصیفی (همبستگی) است.

زوجین به‌طور جداگانه پرسشنامه صمیمیت زناشویی و پرسشنامه طرحواره یانگ (YSQ فرم بلند) را تکمیل کردند. در پژوهش حاضر روش آماری همبستگی، تحلیل رگرسیون با شیوه ورود و گام به گام و تحلیل واریانس چندمتغیره به کار برده شد.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد، یعنی هرچه طرحواره‌ها ناسازگارتر می‌شوند صمیمیت زناشویی کاهش می‌یابد. هم‌چنین یافته‌های رگرسیون چندمتغیری بیانگر این نکته بوده‌اند که حوزه «محدودیت‌های مختل» مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی می‌باشد و به غیر از بعد «صمیمیت جنسی» برای سایر ابعاد صمیمیت زناشویی پیش‌بینی‌کننده معتبری است. از سوی دیگر قابل اشاره است که بین زنان و مردان از نظر طرحواره‌ها تفاوت معناداری وجود نداشته است و فقط در بعد صمیمیت بدنی نمرات مردان بیش از زنان بوده است. این بررسی نشان داد که طرحواره‌های مربوط به «محدودیت‌های مختل» که شامل استحقاق، بزرگ منشی و خویش‌نمندی ناکافی می‌باشد؛ بیشترین نقش را در عدم صمیمیت زناشویی ایفا می‌کنند.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد، یعنی هرچه طرحواره‌ها ناسازگارتر می‌شوند صمیمیت زناشویی کاهش می‌یابد. هم‌چنین یافته‌های رگرسیون چندمتغیری بیانگر این نکته بوده‌اند که حوزه «محدودیت‌های مختل» مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی می‌باشد و به غیر از بعد «صمیمیت جنسی» برای سایر ابعاد صمیمیت زناشویی پیش‌بینی‌کننده معتبری است. از سوی دیگر قابل اشاره است که بین زنان و مردان از نظر طرحواره‌ها تفاوت معناداری وجود نداشته است و فقط در بعد صمیمیت بدنی نمرات مردان بیش از زنان بوده است. این بررسی نشان داد که طرحواره‌های مربوط به «محدودیت‌های مختل» که شامل استحقاق، بزرگ منشی و خویش‌نمندی ناکافی می‌باشد؛ بیشترین نقش را در عدم صمیمیت زناشویی ایفا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، صمیمیت زناشویی، زوجین

✉ Corresponding author: Dept. of counseling, Isfahan University, Isfahan, Iran.
Tel: +98311-3912994
Fax: +98311-6693107
Email: zolfaghari.ma@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: اصفهان - دانشگاه صنعتی - مدرسه راهنمایی دخترانه دانشگاه
تلفن: ۰۳۱۱-۳۹۱۲۹۹۴ دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷
پست الکترونیکی: email: zolfaghari.ma@gmail.com

بررسی احساس تمایل و تقصیر با استرس، افسردگی و اضطراب متقاضیان طلاق در شهرهای اصفهان و اراک*

The Relation of Inclination and Guilt Feeling of Divorce on Stress, Depression and Anxiety of Those Are To Divorce in Esfahan and Arak

H. Yazd Kasti, M. A. ✉

N. Mansori, M. A.

A. Zadeh Mohammadi, Ph.D.

Z. Ahmad Abadi, M. A.

حامد یزدخواستی ✉

دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی، دانشگاه شهید بهشتی

نادر منصوری

دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر علی زاده‌محمدی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

زهره احمدآبادی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

پژوهش حاضر رابطه احساس تمایل و تقصیر بر استرس، افسردگی و اضطراب افراد متقاضی طلاق در دادگاه‌های خانواده شهرهای اصفهان و اراک را بررسی می‌کند. نمونه این پژوهش شامل ۲۳۷ نفر آزمودنی (۱۴۷ زن و ۸۹ مرد) است که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزارهای به‌کار رفته در این پژوهش از پرسشنامه ۲۱ سؤالی DASS و پرسشنامه محقق ساخته سنجش تمایل و تقصیر در طلاق (آلفای کرونباخ آن‌ها ۰/۹۱ و ۰/۶۰) استفاده شد. نتایج نشان داد رابطه معناداری بین احساس تقصیر و تمایل به جدایی با اضطراب و افسردگی وجود دارد و مشخص شد زنانی که تمایل به جدایی داشته‌اند از افسردگی کمتری رنج می‌برند. داشتن فرزند و درآمد بیشتر و تحصیلات بالاتر با کاهش میزان استرس، افسردگی و اضطراب در بین افراد مراجعه‌کننده برای طلاق رابطه داشت.

کلیدواژه‌ها: احساس تمایل و تقصیر، طلاق، استرس، اضطراب، افسردگی

Abstract

The present research examines the relation of inclination and guilt feeling of divorce on stress, depression, and anxiety of those who decide to divorce at Family Law Courts in Esfahan and Arak. The sample included 237 subjects (147 women and 89 men).

who received DASS Questionnaire Inclination and Guilt Divorce Questionnaire (Alpha Cronbach. 91 and .60), and a Demographic Questionnaire. Results found a significant relationship between decided todiorce & feeling of guilt with depression and anxiety. The women who have decided to divorce showed less feeling of guilty and depression. The higher education, high economic level and having more children were in positive significant correlation with decreased stress, depression, and anxiety.

KeyWords: The feeling of inclination and guilt, divorce, Stress and Depression.

*این پژوهش با حمایت مالی قطب علمی خانواده انجام گرفته است.

✉ نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ - دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸

پستالکترونیک: email:hamed_yazdkhasti2000@yahoo.com

✉ Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Tel: +9821-22431814

Fax: +9821-29902368

Email: hamed_yazdkhasti2000@yahoo.com

عوامل مؤثر بر فرسودگی و سلامت روانی مراقبین بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی

Care Giver Burden and Mental Health in Schizophrenia

N. Chimeh, Ph.D. ✉

S. K. Malakoti, Ph.D.

L. Panaghi, Ph.D.

Z. Ahmad Abadi, M. A.

M. Nojomi, Ph.D.

A. Ahmadi Tonkaboni, M. D.

دکتر نرگس چیمه ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر سید کاظم ملکوتی

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر لیلی پناغی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

زهره احمدآبادی

کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مرصیه نجومی

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر علی احمدی تنکابنی

پزشک، کارشناس ارشد اقتصاد بهداشت

Abstract

Deinstitutionalization of psychiatric patients is a problem for their families and lead to burden and psychiatric disorders in caregivers. This study conducted in 117 schizophrenic patients and their families to assess relationship between caregivers burden and patients' psychopathology (positive and negative symptoms), patients' living skills, family knowledge and demographic factors. The instruments were General Health Questionnaire-28 (GHQ-28), Family Experience Interview Schedule (FEIS), Allen's cognitive level test and Positive and Negative Symptoms Scale (PANSS). There was a significant relation between patients' psychopathology and living skills with caregivers' burden but no significant effect for family knowledge and duration of disorder. Results suggest that living skills and having rehabilitation resources are useful for families and patients.

KeyWords: Schizophrenia, Burden, mental health, Caregiver, Family

چکیده:

مؤسسه‌زدایی از درمان بیماران روانی آن را به موضوعی خانوادگی تبدیل کرده است. نقش مراقبت از بیماران در خانواده، فرسودگی و اختلالات روان‌پزشکی را برای مراقبان به دنبال دارد. در تحقیق حاضر فرسودگی و سلامت روانی مراقبان در رابطه با شدت سایکوپاتولوژی - نشانه‌های مثبت و منفی بیماری - مهارت‌های زندگی بیماران، دانش خانواده‌ها و خصوصیات جمعیت‌شناختی بیماران بررسی می‌شود. ۱۱۷ بیمار اسکیزوفرنی و اعضاء خانواده آنان پرسشنامه‌های سلامت روانی GHQ-28، پرسشنامه آگاهی‌سنجی خانواده‌های مبتلایان به اسکیزوفرنیا، فرم کوتاه آزمون برنامه مصاحبه تجارب خانواده‌های بیماران روانی، آزمون سطح شناختی آلن و مقیاس علائم مثبت و منفی (PANSS) را تکمیل کردند. یافته‌ها نشان داد که نشانه‌های کلی سایکوپاتولوژی و مهارت‌های زندگی بیماران با فرسودگی مراقبان همبسته است، اما بین طول بیماری و آگاهی مراقبان با فرسودگی یا سلامت روانی آنان همبستگی معناداری بدست نیامد. ارائه آموزش، مهارت‌ها و یا منابع به خانواده این بیماران، می‌تواند علاوه بر ارتقاء سلامت روانی و جسمی آن‌ها به بهبود عضو بیمار خانواده نیز کمک کند.

کلیدواژه‌ها: اسکیزوفرنی، فرسودگی، سلامت روانی، مراقب

✉Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Tel: +9821-22431814
Fax: +9821-29902368
Email: nchimeh@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸
پست الکترونیکی: email: nchimeh@yahoo.com

تبیین تئوریک سلامت از دیدگاه زنان

Women's Perspectives on Health: A Grounded Theory Study

S. Parvizy, Ph.D. ✉

N. Seyyed Fatemi, Ph.D.

K. Kiani, Ms.C.

✉ دکتر سرور پرویزی

استادیار دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر نعیمه سیدفاطمی

دانشیار دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران

کیان‌دخت کیانی

کارشناس ارشد مامایی

Abstract

Women constitute half of world population and their health impacts significantly our families' and societies' health. The objective of this qualitative study was to explain women perspectives on the concept of health. 22 subjects (20-50 years) through a purposely-selected sampling method were selected from Tehran and went through an open semi-structured interview.

The interviews were recorded, transcribed and analyzed through constant comparative analysis method.

According to the results, three main contributing categories were emerged: sweet and sour in motherhood experiences, sociocultural factors affecting women's health, and health of family. Women health is a basis for family health which is influenced by appropriate family conditions, marital relationship and social support. Hence, addressing their needs is essential to reach to realistic plans.

KeyWords: Women, Health, Qualitative Approach, Grounded Theory, Family.

چکیده:

زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. بنابراین سلامت آنان زیربنای سلامت جامعه و خانواده است. هدف این پژوهش کیفی، تبیین دیدگاه‌های زنان در زمینه مفهوم سلامت است. ۲۲ خانم ۲۰ تا ۵۰ ساله در تهران، طی نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب و تا اشباع داده‌ها مورد مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار تعاملی قرار گرفتند. مصاحبه‌ها ضبط، دست‌نویس و با روش سه مرحله‌ای مقایسه مداوم تحلیل شدند.

این عوامل که به منزله طبقه‌های استخراج شده هستند عبارتند از: شیرینی و دشواری نقش مادری، عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر سلامت و خانواده سالم زیربنای سلامت زنان.

سلامت زنان محور سلامت خانواده است که تحت تأثیر شرایط مناسب خانواده، روابط زناشویی خوب و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی است. از این‌رو، نیازهای زنان که زیربنای خانواده‌ها هستند می‌بایست در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌ها مبتنی بر شواهد واقعی باشند.

کلیدواژه‌ها: سلامت، زنان، خانواده، پژوهش کیفی، نظریه پایه

✉Corresponding author: Dept. of Obstetrics & Nursing, Medical Science University Tehran, Iran.
Tel: +9821-82471000
Fax: +9821-88793805
Email: parvizy@iums.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران - خیابان ولیعصر - خیابان رشید یاسمی - دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران
تلفن: ۰۲۱-۸۲۴۷۱۰۰۰ دورنما: ۰۲۱-۸۸۷۹۳۸۰۵
پست الکترونیک: email: parvizy@iums.ac.ir

A Review of Marriage Rites & Family Affairs In Ferdowsi's Shahnameh

A. Khatami, Ph.D. ✉

دکتر احمد خاتمی ✉

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

Abstract

Ferdowsi's Shahnameh, besides its poetic superiorities and beauties and verbal and rhetorical dimensions, is a rich treasure of political, social and historical information, a valid document for understanding ancient Iran culture & civilization,

and an authentic reporter of Iranian traditions, mores and manners; understanding of and access to some of which is not possible except by studying the Shahnameh.

Marital etiquette and forming a family are among the rites that the Hakim (scholar) of Toos has mentioned on various occasions in the stories.

The article discusses subjects of starting a family and forming of family relation by referring to some of Shahnameh stories. Some of traditions and manners pertinent to marriage, child's birth, child's upbringing and relation of the family's members with each other are compiled while observing the scientific classification.

KeyWords: Shahnameh, Iranian Culture, Family, Marriage.

پیشینه‌شناسی موضوع «خانواده» و دستیابی به آداب و رسوم آن از ضروریات خانواده‌پژوهی و مسائل مربوط به خانواده است. پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهند که ایرانیان از دیرباز به مسئله ازدواج و تشکیل خانواده و تربیت فرزند توجه خاص داشته‌اند و در حفظ و سلامت بنیان خانواده سخت می‌کوشیدند.

بدیهی است مهم‌ترین و معتبرترین مأخذ برای دستیابی به دیدگاه‌ها، قراردادهای و آداب و رسوم ایرانیان در خصوص مسائل خانواده، متون ادبی کهن است.

قطعاً یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این آثار، شاهنامه فردوسی است. شاهنامه صرف‌نظر از برتری‌ها و مزایای شعری و جنبه‌های کلامی و بلاغی، گنجینه‌ای است گران‌بها از آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی، تاریخی. همچنین سندی است معتبر برای شناخت فرهنگ و تمدن ایران باستان و گزارشگری است موثق از آداب و رسوم و سنن ایرانیان، که شناخت و دستیابی به بعضی از آن‌ها جز از طریق مطالعه شاهنامه مقدور و ممکن نیست.

آداب زناشویی و تشکیل خانواده نیز از جمله آدابی است که حکیم طوس به مناسبت‌های گوناگون در لابه‌لای داستان‌های شاهنامه به آن‌ها اشاراتی دارد.

در این مقاله سعی شده تا با مراجعه به داستان‌های شاهنامه، پاره‌ای از رسوم و آیین‌های مربوط به ازدواج، تولد کودک، تربیت فرزند و روابط خانوادگی استخراج و به‌گونه‌ای علمی طبقه‌بندی و مدون گردد.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، فرهنگ ایرانی، خانواده، زناشویی.

✉Corresponding author: Dept. of Persian language and literature, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Tel: +9821-29902323

Fax: +9821-22431991

Email: A_khatami@sbu.ac.ir

✉نویسنده مسئول: تهران - اوین - کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید بهشتی

تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۲۳ - دورنما: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۹۹۱

پست الکترونیک: email: A_khatami@sbu.ac.ir

* یادداشت سردبیر: مقاله حاضر به مناسبت سال ۲۰۰۸ میلادی که از سوی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به عنوان سال فردوسی، حکیم و شاعر گرانقدر ایرانی، نامگذاری شده است منتشر می‌شود. با این امید که از این پس شاهد انتشار فعالیت‌های تحقیقاتی پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی و نیز مطالعات فرهنگی در واکاو و بازنمایی زوایای گوناگون زندگی خانوادگی در فرهنگ ایران زمین باشیم.